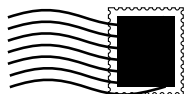


«تا نظر شما چه باشد...»



نامه ها و شعرهای رسیده به دفتر نشریه « ماهنامه پژواک »

دیگر بخاک و خون غلتیدند و دهها میلیون دلار دیگر صرف هزینه های جنگی شد.

در پانزده سال حکومت رضاشاه جمعاً درآمد ایران از نفت کمتر از ۶۰ میلیون دلار بود و در نظر گیرید که با آن درآمد کم چه پروژه هائی انجام شد. در همه شهرهای ایران دبیرستان های مدرن ساخته شد و آن دبیرستان ها مجهز به آزمایشگاههای بودند که هنوز در دبیرستان آمریکا هم وجود ندارند.

شما بیائید کارنامه حکومت خمینی را مطرح سازید که چکار در این مدت انجام شد و چه هزینه ای بر دوش این ملت تحمیل گردید.

این مسلمانان خداترس در بدو انقلاب ۷۰۰ نفر کودک و بزرگ را یک قلم زنده زنده به آتش کشیدند فقط بخاطر آنکه گناه آن را به گردن رژیم شاه بیاندازند و راه را برای انجام مقاصد شوم خویش باز کنند.

تاکنون دهها هزار دختر و پسر در زندانهای رژیم به چوبه های اعدام سپرده اند و دختران بسیاری مورد تجاوز قرار گرفتند هم اکنون نیز گروه گروه از جوانان روانه زندانهای رژیم میشوند و بسیاری از آنها به وحشیانه ترین وضعی اعدام میگرددند. زنده بگور کردن، دست و پا بریدن، سنگسار کردن و شلاق زدن از جنایات روزمره این رژیم شده است.

بیائید پیشقدم گردید و از مردم بخواهید آنچه از جنایات و دزدیهای این رژیم میدانند برای شما بنویسند و ستون جدائی از نشریه پژواک را به این مطالب اختصاص دهید.

بیائید روز آتش زدن سینما رکس را عزای ملی اعلام کنید و در این روز پیشنهاد کنید بیشتر مطالب نشریات به این مطلب و سایر جنایت این رژیم و افشاکری اختصاص یابد و این روز را مردم به عزاداری بپردازند.

با احترام
حشمت الله بزرگ نیا

رکن پنجم که دارد روز به روز پر رنگ تر میشود کمپانی ها و شرکت های اقتصادی اند که در همه جای دنیااند و روز به روز نقش بیشتری را در سیاست دولتها ایفا می کنند. نایکی می آمد از یک طرف از کودکان پاکستان و کامبوج کار می کشید و از یک طرف دیگر با کمپنیهای چند میلیارد دلاری تبلیغات میکرد تا اینکه بالاخره مردم بیکار ننشستند و اعتراض کردند. این شرکتهای را باید زیر نظر داشت و یک امضا و اعلامیه در وب سایتشان دلیل نمیشود که اینها حقوق بشر را اجرا کنند.

متأسفانه ایران الان در زمینه حقوق بشر با آن در سطح سازمانهای بین المللی در ردیف کره و کوبا و برمه برخورد میشود. یک کشور بسته است که هیچگونه سفر رسمی و تحقیقات رسمی از سوی کنشگران حقوق بشر و گزارشگران سازمان ملل بسته نمی شود. در سال دو هزار و دو دعوت نامه به این افراد داده شد که هر وقت میخواهند بروند. اما در طی این سالها دیدیم که عملاً جلوی سفر گزارشگران مهم گرفته شده است، مخصوصاً در سه سال گذشته.

یک چیزی هم است که آیا واقعا در این شرایط که همه دنیا آماده اند که به ایران به بهانه های هسته ای حمله کنند آیا صحبت از حقوق بشر و وضعیت بشر و امنیت بد آن در ایران بیشتر به این جنگ جوانان بهانه نمیدهد؟ مسئله است که این جنگ دیگر مارکتینگ شده است. دیدیم که چطور مثلاً به اسم دفاع از حقوق زنان افغان رفت به آنجا و کاری کرد که آزادی بیان الان این وضعیت را پیدا کرد. یا در عراق ببینید که چطور شد وضعیت آزادی؟

ما همیشه تاکید میکنیم که به هیچ وجه نباید از اسم حقوق بشر استفاده ابزاری شود و ما در همه جا این را ذکر میکنیم. **دکتر عبدالکریم لاهیجی**؛ وکلای دادگستری که همیشه همراه مردم بودند شاهد شکایات مردم از خود نهادهای دادرسی هستند. این همیشه وجود داشته. سازمان ملل را از یاد نبریم که ساخته فاتحان جنگ دوم است. و خوب در هر حال شده است سازمان اجرا کننده اوامر آنها. بزرگترین انتقادها هم به شورای امنیت است و کمیساریای حقوق بشر.

اما راههایی وجود دارد که بشود در چهارچوب همین منشور حقوق بشر مبارزه کرد با خود این دولتها. شوراهایی وجود دارند که مستقل از دولت ها دارند فعالیت می کنند.

روابط بین الملل به شدت فاسد است. اگر قبلاً خاویار بود و فرش الان عملاً پول هم هست. این را هم بدانیم. چین هم اینکار را میکند. همه کشورها از این لوب هول ها استفاده می کنند. امسال چین آمده چون المپیک برگزار میشود آمده چهل درصد اعدام را کم کرد. ایران شصت درصد بیشتر کرد. الان به نسبت جمعیت، ایران بیشترین اعدام را دارد.

ما گفتیم حالا که گزارشگر نمیتواند برود ایران دبیر کل سازمان ملل خودش بیاید از اختیاراتی که دارد استفاده کند و برود ایران و گزارش بنویسد. شما اگر بدانید که این لابی ها چه کردند با ما در کنفرانس نیویورک سال قبل. نه فقط از سوی دیکتاتوری ها بلکه از سوی همین کشورهای به اصطلاح دمکرات. در هر حال امسال باید دبیر کل بیاید گزارش بدهد.

خانم پرویزاد، با نهایت تشکر از مقاله شما در ماهنامه پژواک شماره ۲۰۶. شما دقیقاً نکته ای را انتقاد کردید که واقعاً نه تنها زیبا گفته شده بود بلکه درست برای ما در این نسل حکایت شد. خانم پرویزاد، خواهش میکنم بیشتر در مورد این مسائل شما در این ماهنامه ذکر بکنید، چون بیشتر پدرها و مادرها در این آمریکا فکر میکنند که آنها هم بدشانس یا تنها و ناموفق هستند. نمیدونن که با منفی گری نه تنها به روحیه خودشان لطمه می زند بلکه اطرافیان را هم ناامید یا از هم دورتر و دورتر می کنند. اون یک چیز هم توقع است که ما ایرانی ها از همه بیشتر داریم.

یک مطلب دیگر این تعارف کردن های ماست که خیلی بد است و بقول یک انسان شناس تعارف یعنی تعاهر. این یکی از بدترین آداب ماست که با هم روراست نیستیم حتی پدرها و مادرهایمان با همدیگر تعارف دارند.

در آخر فقط می خواستم بگم که مقاله شما را نه تنها به اطرافیان بلکه به دوستان آمریکایی هم نشان دادم. نصیحت های شما درست بود و خواهش میکنم به این مطالب، مخصوصاً برای ما ایرانی های مقیم در آمریکا، بیشتر تمرکز کنید.

سردبیر محترم نشریه پژواک:
جای بسی تأسف است که مردم میهن ما ناظر این همه جنایت و بدبختی بوده و همگی ساکت نشسته ایم و بیشتر مردم غافل اند که طی اینمدت حکومت ملایان با چه قیمتی برای ملت ما تمام شده و چه تعداد از جوانان پرشور این آب و خاک جان خویش را به رایگان فدا نموده و چه تعداد در گوشه زندانها اعدام شده و یا در زیر شکنجه های وحشیانه جان سپرده اند یک قلم صدها هزار جوان در جنگ ایران و عراق فدای جهالت خمینی شدند و صدها میلیون دلار خسارت جنگی به کشور ما وارد شد و صدها میلیون دلار خرج تسلیحات گردید و یک قلم هشتاد بلیون دلاری را که عربستان برای خاتمه جنگ با ایران بنا بود بپردازد و جنگ را با صلح خاتمه دهد خمینی قبول نکرد و نه تنها آن مبلغ از دست رفت بلکه دهها هزار جوان

دولت فرانسه ما را تحت فشار گذاشت که تظاهرات نکنیم بر علیه مشعل المپیک. ببینید سارکوزی که در فرانسه انتخاب میشود وقتی به چین میرود یک کلمه از روزنامه نگاران و اعدامیان حرف نمیزند. در مورد اقتصاد حرف میزنند. دولت بوش دیگر مثال زدن ندارد.

دفاع ما دفاع از آزادی بیان است. فرقی ندارد در ایران باشد یا در گوانتانامو. در مورد سازمان ملل یک مثالی هست که وقتی گنجشک ها جیک جیک میکنند خوب سرشان داد میزنند. اما در برابر عقاب ها ساکت است. چین الان مسلمان ها را اعدام میکند. روسیه که چچن را قتل عام میکند. اما همین دو کشور میآیند با یک سری کشورهای اسلامی دست در دست هم میدهند و بقیه کشورها را به اسم حقوق بشر محروم میکنند و تحریم. ما در مقابل این نهادها هم قرار گرفته ایم. روزنامه نگاران در هیچ جای دنیا امنیت ندارند. کسی حرف نمیزند که روزنامه نگاران عراقی چقدر کشته شدگان و ربایند شده نشان زیاد است. روزنامه نگاران آمریکایی با حفظ امنیت کامل میروند آنجا. با کلاه خود و زره. اما چه بر سر روزنامه نگاران عراقی میآید را کسی نمیداند.

وب نگاران فمینیست را در ایران را ببینید که چه تضيیقاتی وجود دارد بر علیه شان. این درست است اما یک سری تحریم ها را به اسم این میآیند بر علیه ایران میکنند. یعنی هم تحریم گران و هم دولت دارند حق اینها را از بین میبرند. گوگل و یاهو اسم ایران را بر میدارند. شرکت های آمریکایی به ایرانی ها امکانات نمیدهند. این وب نگار چطور باید حرف بزند آنوقت؟

گوگل در چین سانسور حکومتی را اجرا میکند. اگر بنزید آزادی همان چیزی را ببینید که در ایران ببینید. دسترسی به این سایت ممکن نیست.

هوشیارانه با تمام مشکلاتی که اینجا هم وجود دارد باید حواسمان باشد که از کدام طرف بام نیافتیم. بدون آزادی بیان آزادی وجود ندارد.

این فرقی ندارد در کجا باشد. رسانه های افغان الان در خطرند. بسیار در خطرند. باید اینها را در همه جای دنیا بیابیم.

آقای قایمی: پنج رکن عمده
دولتها که امضا کننده اولیه لایحه بودند و از نظر حقوقی تعهد داده اند. هر چند که این تعهدات ضمانت اجرایی ندارد و هر کشور خودش میآید بر اساس منافع خودش قانون میگذارند. نهادهای مختلف مثل سازمان ملل و زیر مجموعه های آن مثل نشست عمومی و شورای امنیت و نهادهای کمیسر ایای عالی حقوق بشر و گزارشگران مختلف هم روند حقوق بشر در کشورهای مختلف دنبال میکنند. شورای حقوق بشر که جدای کمیساریای عالی است خودش نهادی است از نهادهای دولتی که البته سازمانهای غیردولتی هم در آن هستند. رکن سوم سازمانهای غیردولتی بین المللی و ملی اند که جامعه مدنی را تشکیل میدهند رسانه ها رکن چهارم اند. آگاهی می دهند از آنچه در اطراف دنیا می گذرد. یکی از مهمترین ارکان است چرا که روزنه ای است برای فشار به ارکان دیگر. هر چند خیلی اوقات نمیتواند کار عملی بکند. مثلاً در رواندا و دارفور اخبار پوشش میدهند اما چون جایی نیست که در معاملات بین المللی جایی داشته باشد کسی به آن توجه نمیکند.

گزارشی از سمینار «بررسی موانع تحقق و رعایت حقوق بشر در ایران»

== بخش آخر ==

ششمین میزگرد:

شده بود. بر حق ولایت مادران و حضانت فرزندان صحبت شده بود. این را آمدند با افتوا با آیت الله خمینی مطرح کردند چون آن زمانی قانونی نداشتیم. آقای خمینی میگویند که قانون خانواده برخلاف شرع است و روی این قانون نباید اقدام شود تا لغو آن اعلام شود.

شورای نگهبان تشکیل شد توسط آقای خمینی از شش فقیه و شش حقوقدان که این قوانین با شرع مخالف نباشد. این شورا هم رفت سراغ زنان و اولین صدمه را شورای نگهبان به زنان زد. البته اینطور نبود که زنان هم همه چیز را قبول کنند. مخالفت میکردند. خانوادها متشنج شده بود. زنان به طور مرتب تظاهرات میکردند. اما متأسفانه آنقدر فشار این قانون زیاد بود که حضرات هر کار خواستند کردند با قانون.

متأسفانه این جنگ هشت ساله تمام توانهای انسانی را از جامعه ما گرفت. این جنگ همه درها را به روی ما بست و تا ده سال همه در سکوت فرو رفتیم و کاری جز گریه برای عزیزانمان نکردیم. این جنگ بزرگترین ضربه را به گروههای مختلف ما زد.

متأسفانه وقت خانم مهر انگیز کار تمام شد و نتوانستند به شرح بقیه جریان زنان بعد از جنگ بپردازند.

فریبا داوودی مهاجر: جنبش زنان ایران در سالهای گذشته بر روی چه سابقه ای شکل گرفته؟ نقش زنان در صد سال گذشته بخصوص در انقلاب مشروعه غیرقابل انکار است و این سرچشمه تغییر وضعیت زنان ایران بوده. اما سه مانع اصلی داریم. مذهب و سنت و شرایط اجتماعی. در مورد مذهب در بسیاری از کشورها مثل ترکیه و تونس و غیره این مسئله حل شد. در صد سال گذشته علمای مختلف آمدند و نظریات مختلف دادند. اولین تلاش زنان برای تشکیل مدرسه دخترانه بود که با مخالفت شدید روحانیون روبرو شد اما در عرض شش سال شصت و سه مدرسه برای زنان تأسیس شد. عطوبات زنان تأسیس میشود. انجمنهای سیاسی زنان هم بودند.

رضا شاه کشف حجاب کرد اما هنوز زنان حق رأی نداشتند. رفورمها از بالا و از الیت ها شروع میشود. و زنان مشغول کار میشوند و انجمن های زنان در کارهای مختلف بوجود میآید. مکارم شیرازی میگوید که شرکت زنان در انتخابات مسبب فحشا و اعتیاد و بهم خوردن نظم اجتماعی و جرایم میشود. اما در نهایت تشکیلی از چهارده سازمان زنان تشکیل میشود که در زمینه های مختلف کار میکنند.

در رفراندومی در سال هزار و سیصد و چهل و یک به زنان حق رأی میدهند و زنان حق مالکیت زمین پیدا میکنند و زنان به مجلس و سنا میروند. برنامه های تنظیم خانواده هم شروع میشود.

بعد انقلاب پنجاه و هفت میآید که جامعه را بیشتر پدر سالار میکند. خمینی از کسانی بود که با حق رأی زنان به شدت مخالفت کرده بود در همان سال چهل و یک. اما حکومت به رأی آنها احتیاج داشت و به تظاهرات آنها. البته باز هم این سوء استفاده باعث شد که زنان یکذره از خانه بیرون بیایند و مشارکت کنند در خیابان. در گروههای سیاسی اما اکنون همیشه در حاشیه های حزب ها قرار دارند.

در اصل نوزده و بیست و بیست و یک قانون اساسی ضد زن هستند و تظاهرات اصلی و اولیه هم هسته اش این زنان بودند که گفتند ما با این حقوق اساسی مشکل داریم. بعد این روند زن ستیزی با تکیه بر این قانون اساسی بیشتر و بیشتر شد. صدا و سیما آمد و اصلاً یک فرهنگ ضد زن سازی را شروع کرد. آقای خمینی قبل از اینکه بیاید میگوید که زنان خودشان در مورد پوششان تصمیم بگیرند اما خوب بعد میآیند و حجاب را اجباری میکنند. بعد جدا سازی شروع میشود. از دریا و اتوبوس و ورزشگاه و حالا پارک و لایه بعد هم خیابان. دختران آمدند به دانشگاه. آن را هم سهمیه بندی می کنند.

آمدن خاتمی یک سکوی پرش بود برای زنان اینطور که زنان ناامید شدند از خاتمی. به این صورت که فهمیدند هیچ کس برایشان کاری نمیکند. و خودشان باید کاری بکنند. این ترس و انفعال باعث شد که زنان شروع به حرکت کنند.

روز سوم

هشتمین میزگرد: بارادکس حقوق بشر در روابط بین الملل دکتر منصور فرهنگ - دکتر عبدالکریم لاهیجی - محمدرضا معینی - دکتر هادی قایمی.

محمدرضا معینی: وی صحبت هایش را با یاد آوری بیست و هفتین سالگرد سرکوب گسترده آزادیخواهان ایرانی و اعدام های دسته جمعی دهه شصت شروع کرد. ایشان از سوی سازمان گزارشگران بدون مرز به شرح کارهای این سازمان پرداخت. ما در جهان بدی زندگی می کنیم. در گزارش سالنامه ما گفتیم که روزنامه نگاران باید نگران خود باشند چرا که فعالیت مدافعان آنها از همیشه کمتر شده است. حقوق بشر بعد از یازده سپتامبر به عنوان مختلف زیر پا گذاشته شده است. و شاید زیر اسم صلاح مملکت خویش خسروان دانند سعی کردند آن را توجیه کنند. متأسفانه ما روز به روز بیشتر شاهد نقض حقوق بشر توسط دولتهایی هستیم که خودشان را ناجی دموکراسی و حقوق بشر می دانند. وضع جهان از جنگ دوم تغییرات زیادی کرده اما متأسفانه ما داریم ببینیم که چطور بعضی از کشورها دارند به عنوان مختلف بر میگردند به همان توجههایی که در دوره ای بر علیه یهودیان و سوسیالیست ها و ... میشد.

جبهه رنگارنگی در همه جای دنیا وجود دارد بر علیه آزادی بیان. جبهه هایی از دولت ها از افراطیون مذهبی از صاحبان سرمایه.

... سازمان گزارشگران بدون مرز از همان ابتدا مخالف برگزاری المپیک بود. اما ما بشدت تحت فشار قرار گرفتیم.

نقش زنان در طرح و ترویج حقوق بشر در ایران با شرکت مهر انگیز کار - فریبا داودی مهاجر و الهه امانی

الهه امانی: مهم است که واقف باشیم که در چه دنیایی هستیم و این بحث حقوق بشر در چه فاز تاریخی مطرح میشود. الان ما در رشد بنیاد گرایی در حیطه مذهب یا افراط گرایی مذهبی هستیم که مختص اسلام نیست و به بقیه مذاهب هم هست. رشد بنیاد گرایی در حیطه هویت ملی را داریم که با فروپاشی بلوک شرق شروع شد و رشد بنیاد گرایی در حیطه سیاست قدرت گرفتن راستها در سیاست امروز است.

اقتصاد بررسی اش مهم است که چرا این فاصله بین ثروت و فقر در حال ازدیاد است. این تحولات تأثیرات مستقیم بر روی وضعیت زنان دنیا داشته که منجر به انتشار خیلی از قطع نامه ها هم داشته است. البته خود این حقوق بشر هم نقد شده است و ما گفتیمان حقوق بشر را داریم. ما شاهد این هستیم که استفاده ابزاری از حقوق بشر کم نیست و آنچه که به نظر من تفکیک کننده است این است که وقتی از واژه حقوق بشر استفاده میکنیم چه اندازه شفافیت وجود دارد در آن. حقوق بشر زنان را آیا استفاده میکنیم برای توجیح حمله نظامی یا مقاصد سیاسی. واژه بشر حقوق بشر زنان که من خودم میگویم اگر زنان بخشی از این بشریت هستند پس چرا حقوق بشر زنان جدا است. مفهوم آیا این است که زنان جزوی از جامعه بشری اند و حقوقشان محترم. این واژه چطور شکل گرفت؟ بعد از آمدن این اعلامیه حقوق بشر میبینیم که این حقوق روابط ملت و دولت را در بخش عمومی شرح میدهد. اما زنان آنقدر در بخش عمومی نبودند. اینجا بود که فمینیستها به آن نقد داشتند چون کاربرد آن وقتی بود که زنان اگر سیاسی بودند و زندانی میشدند این حقوق از آنان دفاع میکرد. اما اگر همین زن در زندان به او تجاوز میشد بهش این حقوق بشر چیزی نداشت که از او دفاع کند. این مشکل زنان بود.

ما شاهد این هستیم که یک روند دیگر هم بعد از این جنبش های اجتماعی شکل گرفت. سازمان ملل کنفرانس بین المللی زنان در مکزیک و کنپنهاگن و نایروبی برگزار شد. سازمانهای غیردولتی به یک پدیده چشمگیری تبدیل نشده بودند در آن زمان. فمینیستها در حاشیه کنفرانس مکزیک بحث هایی را شروع کردند اما آنقدر چشمگیر نبود. در کنپنهاگن و نایروبی اوضاع بهتر شد. در نایروبی بود که فعالین زنان از همه جای جهان در آن شرکت کردند و به افشاکری این موارد ضعف قوانین بشری در مورد زنان پرداختند.

قبل از کنفرانس پکن در وین یک اتفاق مهم افتاد و آن اینکه این شکاف بین خصوصی و عمومی شکست و این خشونت نسبت به زنان و موارد دیگر که ضد زن بود آمد با حقوق بشر سنجیده شد. مثلاً گفتند که کتک زدن زنان در خانه یک شکنجه است. یعنی آن را آمدند طوری تعبیر کردند که مسایل خانوادگی و خصوصی را هم تحت خود بگیرد.

در کنفرانس پکن که بزرگترین اجتماع سازمان ملل بوده تا به حال این جنبش جهانی زنان شکل گرفت و دوازده مورد بود که زنان جهان به طور مشترک در آن چالش دارند و این مورد توجه دولتها قرار گرفت. یکی از این دوازده مورد حقوق بشر با این جندر سنستوی لنز یعنی عینک حساسیت جنسیتی. پتانسیل این بحث برای جنبش زنان در ایران این است که چهارچوب حقوق بشر ابزاری می دهد که بتوانیم وضع زنان ایران را در این حقوق بشر بگنجانیم و این جنبش اجتماعی زنان که یکی از بلند ترین جنبش های زنان در سطح جهان است - با سایر جنبش های اجتماعی مثل کارگران و معلمان و دانشجویان یک فصل مشترک پیدا کند. فصل مشترکی که حکومت به غایت از آن میترسد.

بحث حقوق بشر که در این دو روزه بوده در واقع یک تعهدی هم برای ما بوجود میآورد که این حقوق بشر را برای خودمان نهادینه کنیم. این اخلاقیات را پیدا کنیم. اگر به رژیم ایران اعتراض میکنیم که در گرانديشان را قبول ندارد آیا خود ما داریم. باید بتوانیم این مفاهیم را در زندگی خودمان درونی کنیم و در رفتار اجتماعی مان آن را بکار ببریم. این چالشی است که فایز آمدن بر آن میتواند راهکاری برای مردم ایران باشد.

مهر انگیز کار: ببینید تا یک قرن گذشته وقتی سرشماری هم میکردند فقط مردان را میشمردند و زنان را جزو بشر حساب نمیکردند. اما الان کار به جایی رسیده است که دولتها مجبورند حقوق زنان را محترم بشمارند.

این انقلاب پنجاه و هفت امیدهای زیادی را در بین همه گروه ها برانگیخت. شعارها هر چند که اسلامی بود اما مردم درک عدالت از اسلام داشتند. اولین شک در بعد از بیست و دوم بهمن به زنان وارد شد. اولین هدفی که تندروهای انقلابی و دینی انتخاب کردند زنان بودند و البته زنان شاغل و بی حجاب. این شوک بسیار بزرگی بود بر زنان. متأسفانه این تنوع فرهنگی که در ایران وجود دارد باعث شد که واکنش ها انجام نیابد. یک سری زنان بسیار معترض شدند و تظاهراتی راه افتاد. اما گروههای منسجم وجود داشت که با اینها مقابله کند. متأسفانه یک جریانی هم پیش آمد به اسم زنان علیه زنان. ما این جریان زنان علیه زنان را هنوز هم داریم و خیلی کانسپت پیچیده ای است. حتی در مجلس هم داشتیم و داریم. به طور خلاصه آمدند زنان را خانه نشین کردند. در آن زمان پیش از دویست زن و کیل دادگستری داشتیم اما به آهستگی دادگستری خالی شد. هر چند جمهوری اسلامی به طور شرعی و کالت زنان را منع نکرد. اما نظریات فقهی دامن قضات را گرفت. قضات زن. البته چند سال قبل یکی از این قضات یعنی خانم عبادی جایزه صلح را دریافت کرد. جایزه اش را طور دیگر گرفت. دومی فریانی که زنان دادند قانون حمایت خانواده بود. قانونی که در زمان شاه تصویب شده بود و بسیار مترقی بود و حق طلاق مطلق را از مرد گرفته بود. دادگاههای خانواده تشکیل